

گونه‌شناسی مضامین نقوش انسانی کاشی‌های دوره صفویه

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۵۵-۱۳۸)

زهرا رضاسلطانی^۱، میترا شاطری^۲

۱- کارشناس ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

۲- دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)

DOI: 10.22077/NIA.2023.5446.1623

چکیده

کاشی‌کاری از روش‌های مؤثر در تزئین آثار وابسته به معماری است. در دوره صفوی با انتخاب اصفهان به‌عنوان پایتخت و با توجه به لزوم ساخت بناهای متنوع با کارکردهای گوناگون، استفاده از هنر کاشی‌کاری به اوج شکوفایی رسید و هنرمندان به خلق آثاری زیبا با نقوش گیاهی، جانوری، هندسی، کتیبه‌ای و به‌ویژه نقوش انسانی دست زدند. درحالی‌که در دوره‌های پیشین، کمتر از نقوش انسانی روی کاشی‌ها بهره‌گرفته می‌شد، در دوره صفوی، مشخصاً این محدودیت از میان رفت. علی‌رغم کمیت بالای نقوش انسانی نقش‌شده بر کاشی‌های این دوره، پژوهش متمرکز، جامع و مستقلی بر روی آنان صورت نگرفته است. بر همین اساس در این پژوهش تلاش شده است با بررسی و گونه‌شناسی موضوعی کاشی‌های دارای نقش انسانی دوره صفوی به این سؤالات پاسخ داده شود: نقوش انسانی بیشتر بر روی کاشی‌های کدام گروه از بناهای صفوی استفاده شده است؟ این نقوش بیشتر چه مضامینی دارند و در چه گروه‌هایی قابل طبقه‌بندی هستند؟ هدف اصلی این پژوهش شناسایی، گردآوری و معرفی کاشی‌های دارای نقش انسانی دوره صفویه و گونه‌شناسی عمده مضامین به‌کاررفته در آنها جهت تنویر مطالعات حوزه هنر و معماری در دوره صفویه است. اطلاعات این پژوهش با شناسایی و گردآوری ۸۲ قاب کاشی با نقوش انسانی، با استفاده از روش یافته‌اندوزی کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است و روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کاشی‌های دارای نقش انسانی در دوره صفویه بیشتر در بناهای غیرمذهبی همچون کاخ‌ها، کوشک‌ها و حمام‌ها و به‌ندرت، تنها در بناهای مذهبی مرتبط با آیین مسیحیت (کلیساها) به کار رفته‌اند. مضامین به‌کاررفته نیز از نظر موضوعی در ۵ گروه گل‌گشت، تک‌چهره‌نگاری، شکار و گریز، مذهبی - مسیحی و متفرقه قابل طبقه‌بندی هستند. بیشترین کمیت با ۳۷ قاب کاشی متعلق به مضامین مربوط به گل‌گشت و کمترین تعداد با ۹ عدد قاب کاشی مربوط به دو گروه شکار و گریز، و مذهبی - مسیحی است.

واژه‌های کلیدی: کاشی‌کاری دوره صفویه، نقش انسانی، بناهای مذهبی، بناهای غیرمذهبی، گونه‌شناسی موضوعی.

1- Email: rozitasoltani75@gmail.com

2- Email: shateri.mitra@sku.ac.ir

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم زهرا رضاسلطانی با عنوان "مطالعه تطبیقی کاشی‌های با نقوش انسانی دوره صفویه با نگاره‌های هم دوره به‌منظور تاریخ‌گذاری نسبی آنها" است که در سال ۱۴۰۰ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد دفاع شده است.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱)

مقدمه

کاشی‌کاری یکی از تزئینات رایج در پوشش‌دادن فضاهای داخلی و خارجی بناها در ایران است. واژه کاشی از نام شهر کاشان اقتباس شده است که از اوایل دوران اسلامی به‌عنوان مرکز صنعت سفال‌سازی مشهور بود و انواع مختلفی از جمله کاشی تکرنگ، معقلی، معرق و هفت‌رنگ دارد و امروزه از این هنر به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین هنرها در معماری داخلی استفاده می‌شود.

کاشی‌کاری در ایران از سده‌های میانی اسلامی تاکنون در تزئین بناها، به‌ویژه بناهای مذهبی جایگاه و اهمیت بسیار داشته است. ایرانیان از دیرباز، با شیوه‌های ساخت کاشی آشنا بوده‌اند و آن را به‌علت استحکام مناسب و زیبایی خیره‌کننده، به‌عنوان ابزاری مناسب جهت تزئین سطوح بیرونی و درونی بناها به‌کار می‌بردند (صالحی‌کیا و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵). با ظهور سلسله صفویه هنر جان دوباره گرفت و سلاطین صفوی که خود از هنردوستان بودند، دربار خود را مرکز تجمع هنری و صنعتی قرار دادند (ماهرالنقش، ۱۳۶۱: ۱۴). کاشی‌کاری در این دوره به‌عنوان یک هنر تزئینی به اوج و توسعه رسید و شکوفایی این هنر تزئینی را به‌صورت گسترده در این دوره شاهد هستیم. هنر کاشی‌کاری هنر ابداعی دوره صفویه به‌شمار نمی‌رود؛ اما در این دوره با وجود اقتباس از هنر پیشینیان، صرفاً به تقلید اکتفا نشده و گسترش و تجلی فراوان این هنر، بسیار قابل توجه است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۶). نقوش تزئیناتی هنر کاشی‌کاری این دوره را می‌توان به شش دسته تقسیم کرد: نقوش گیاهی، هندسی، کتیبه‌ای، حیوانی، اساطیری و انسانی.

یکی از ویژگی‌های کاشی‌های این دوره، نقوش آن‌هاست که می‌توان پایه و اساس آن‌ها را در نگارگری این دوره جست‌وجو کرد. با اوج مکتب تبریز نقوش کاربردی روی سفالینه‌ها و کاشی‌ها به‌صورت تزئینات گیاهی نمایان شد؛ اما با شکوفایی مکتب نگارگری اصفهان و تمایل وافر به تصویر انسان، استفاده از تک‌چهره‌ها در آثار سفالی و کاشی‌ها گسترش یافت (حسینی و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۹۷). در این پژوهش سعی شده است با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقوش انسانی کاشی‌ها و از سوی دیگر

طبقه‌بندی موضوعی نقوش انسانی پرداخته و به این سؤالات پاسخ داده شود: نقوش انسانی بیشتر بر روی کاشی‌های کدام گروه از بناهای صفوی استفاده شده است؟ این نقوش بیشتر چه مضامینی دارند و در چه گروه‌هایی قابل طبقه‌بندی هستند؟ هدف اصلی این پژوهش، شناسایی، گردآوری، معرفی و طبقه‌بندی موضوعی نقوش انسانی به‌کاررفته در کاشی‌کاری‌های عصر صفویه است. نقوش انسانی در ابتدای دوره صفویه به تعداد کم بر روی کاشی‌ها دیده می‌شود و اغلب نقوش گیاهی و جانوری هستند؛ اما رفته‌رفته و با تأسیس مکتب نگارگری اصفهان به تعداد نقوش انسانی روی کاشی‌ها اضافه می‌شود. این‌گونه کاشی‌ها که امروزه تعدادی از آن‌ها در بناهای مذهبی (کلیساها) و غیرمذهبی (کاخ‌ها و حمام‌های دوره صفویه) و تعداد قابل توجهی از آن‌ها در موزه‌های ایران و جهان هم‌چون موزه ملی ایران، موزه لوور، متروپولیتن و ویکتوریا-آلبرت دیده می‌شوند، موضوعاتی در خور توجه دارند که همگی از ذوق و سلیقه هنرمندان آن دوره حکایت دارد.

روش و پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده می‌توان گفت تاکنون تحقیق متمرکز و مستقلی در مورد نقوش انسانی کاشی‌های دوره صفویه صورت نگرفته است. اطلاعات و تصاویر آورده شده در پژوهش حاضر، به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی توسط نگارنده انجام شده و سپس مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. مهم‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه عبارت‌اند از: منابع دسته اول، به‌ویژه سفرنامه‌های خارجی‌ان مانند دلاواله (۱۳۸۴) در سفرنامه پیتر دلاواله، و یا اولتاریوس (۱۳۶۳) در سفرنامه آدام اولتاریوس که به‌صورت گذرا به نقوش کلی کاشی‌های این دوره پرداخته‌اند. منابع دست دوم: رئیسی (۱۳۶۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نقوش انسان و حیوان در کاشی‌کاری‌های به‌جای‌مانده از بناهای تاریخی شهر اصفهان (دوره صفویه و قاجار)»، به‌اجمال به معرفی تعدادی از نقوش انسانی در برخی از بناهای برجای‌مانده از این دوره اشاره کرده است. این پایان‌نامه ضمن تمرکز بر هر دو گروه نقوش انسانی و جانوری، تنها به نقوش برجای‌مانده در بناها اشاره

شد. در عهد صفوی سبک معماری قدیم تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح بناها جای خود را باز کرد. اغلب بناهای دوره صفویه مانند مساجد، مدارس و کاروانسراها به شکل چهارایوانی بنا شد. استفاده از کاشی معرق و هفت‌رنگ برای تزئینات، رونق یافت؛ به طوری که ساختمان‌های مذهبی این دوره از گنبد، ایوان، طاق‌نما، سردر ورودی و مناره‌ها با کاشی آراسته شد (کیانی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۴). سنت به‌کاررفته در ساخت بناها به‌خصوص کاخ‌های این دوره ریشه در دوره‌های پیشین خود دارد و بیشتر کاخ‌ها و کوشک‌های این دوره از بین رفته است. از زمان صفویه، به‌خصوص در اصفهان، بخش‌هایی از بعضی بناها که به هم مرتبط نیستند باقی مانده‌اند. کاخ‌سازی به‌منظور ایجاد مکانی برای سکونت پادشاهان، امرا و درباریان، به‌ویژه در دورانی که اصفهان پایتخت بود، رونق و رواج گسترده‌ای یافت. کاخ‌هایی از دوره صفویه (قرن ۱۷ م.) در ایران در شهر اصفهان باقی مانده است که مشخصه اصلی این عمارت‌ها، ایوان‌های سرپوشیده و تزئینات وابسته به معماری آن‌هاست و کاخ‌های هشت‌بهشت، چهلستون، جهان‌نما و هفت‌دست، از جمله کاخ‌های دارای کاشی با نقش انسانی هستند. تزئینات کاشی‌کاری اکثراً به‌صورت متقارن در نمای خارجی و داخلی بنا اجرا شده‌اند و موضوعاتی هم‌چون نقوش انسانی با مضامین شکار، خوش‌گذرانی و خطبه‌خوانی را دارند. از دیگر بناهای غیرمذهبی دارای کاشی با این نوع نقوش و مضامین، حمام‌ها هستند. حمام‌ها که تقریباً یکی از مهم‌ترین انواع بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه محسوب می‌شوند، در بین فضاهای معماری علاوه بر ارزش معماری، از نظر اجتماعی نیز دارای اهمیت و ارزش هستند. عوامل متعددی از جمله رطوبت، دما و مسیر دسترسی در شکل‌گیری حمام‌ها نقش دارند. عصر شکوفایی ایجاد حمام‌ها را باید متعلق به دوره صفوی دانست. در این دوره در شهرهای متعددی ساخت حمام‌ها گسترش یافت و امروزه نیز بسیاری از این حمام‌ها پابرجا هستند.

استفاده از کاشی‌معرق در حمام‌ها به‌علت نفوذ بخار آب و فروپاشی زود هنگام آن قابل استفاده نبود. به‌علاوه کاشی خشت هفت‌رنگ، میدان دید بهتری در ارائه مناظر و تصاویر در معرض نمایش قرار می‌داد. کاشی‌کار از محدودیت‌هایی که

کرده است که کمتر از یک‌پنجم آثار موجود است؛ ضمن اینکه کار به‌صورت معرفی است و هیچ‌گونه طبقه‌بندی‌ای صورت نگرفته است. منصوری جزآبادی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و مطالعه تکنیک ساخت و تزئین کاشی‌کاری در حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از آغاز عصر صفوی تا اواخر دوره قاجار» به بررسی نقوش مختلف کاشی‌های حمام‌های صفوی تا قاجار در شهر اصفهان، اعم از نقوش گیاهی، هندسی، کتیبه‌ای و انسانی اشاره کرده و در میان معرفی نقوش مختلف، به چند مورد از نقوش انسانی نیز در حمام‌های دوره‌های یادشده، پرداخته است. ماهرالنقش (۱۳۹۷) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی نقوش جانوری در تزئینات کاشی‌کاری دوره صفویه با دوره قاجاریه در بناهای تاریخی اصفهان» به‌صورت متمرکز، به معرفی و گونه‌شناسی نقوش جانوری موجود بر کاشی‌های این دوره اشاره کرده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه بر نقوش گیاهی، هندسی، کتیبه‌ای و جانوری این دوره متمرکز هستند و به‌دلیل پراکندگی آثار و جداسدن کمیت قابل توجهی از قاب‌کاشی‌ها از بستر اصلی خود، هیچ‌گونه پژوهش مستقلی در خصوص نقوش انسانی و یا گونه‌شناسی موضوعی آن‌ها انجام نشده است؛ امری که پژوهش حاضر در پی تحقق آن است.

بناهای صفوی دارای کاشی با نقش انسانی

اگرچه تعداد نسبتاً زیادی از بناهای دوره صفوی در مقایسه با ادوار گذشته باقی مانده؛ با این وجود معماری صفوی نسبت به دوره‌های سلجوقی، ایلخانی و تیموری ناشناخته‌تر باقی مانده است. در این دوره الگوهای هنری و معماری به‌نحوی هماهنگ‌تر و وسیع‌تر به‌کار رفته‌اند و زیبایی و طرح هماهنگی رنگ‌ها و ظرافت در ساخت به اوج خود رسیده است. هنر معماری دوره صفویه شباهت زیادی به دوره سلجوقی دارد؛ با این تفاوت که معماری دوره صفویه دارای ظرافت بیشتری نسبت به دیگر دوره‌هاست.

فعالیت وسیع معماری دوره صفویه در زمان شاه‌عباس اول آغاز شد. در این دوره، نه‌تنها در اصفهان؛ بلکه در شیراز، اردبیل، مشهد و تبریز و دیگر شهرهای ایران بناهای مختلف احداث

(۳۲)؛ به همین دلیل در جلفا کلیساهای زیادی ساخته شد. از خصوصیات بارز کلیساهای جلفای اصفهان وجود نقاشی‌های بسیار زیبا بر روی دیوارهای داخلی است؛ زیرا تا آن زمان در هیچ‌یک از کلیساهای ارمنی دیوارها به این وسعت نقاشی نمی‌شدند و کلاً سنت کلیسایسازی ارمنیان چنان بود که دیوارهای خارجی را با حجاری تزئین می‌کردند و تا جایی که امکان داشت دیوارهای داخلی را ساده و بدون هرگونه تزئین باقی می‌گذاشتند. هنرمندان اصفهان تحت‌تاثیر هنر ارمنی و ایرانی و با الهام از سبک‌های اروپایی و به‌خصوص ایتالیایی، نقاشی‌های بسیار زیبایی را با موضوعات برگرفته از تورات و انجیل مقدس بر روی دیوار کلیساهای اصفهان نقاشی کردند. به غیر از نقاشی بر روی دیوارهای داخلی، کلیساهای اصفهان برای اولین بار در تاریخ معماری کلیساهای ارمنی با الهام از معماری ایرانی در قسمت‌های تحتانی دیوارهای داخلی کلیساهای وانک، سرکیس مقدس، مریم مقدس و گئورگ، از کاشی‌های لعاب‌دار با طرح‌هایی از فرشتگان و نقوش انسانی با مضامین مذهبی و روایی استفاده کردند. این شیوه تزئین نیز از خصوصیات منحصربه‌فرد کلیساهای جلفای اصفهان به شمار می‌آید (همان: ۳۲-۳۳).

کاشی‌های با نقوش انسانی دوره صفویه

برای اولین بار رضا عباسی، از بزرگ‌ترین هنرمندان دربار شاه‌عباس اول، با کشیدن تصاویری از آدمیان، الهام‌بخش هنرمندان برای ترسیم نقاشی بر روی کاشی‌های بناهای این دوره شد؛ بدین ترتیب سطوح بناهای این دوره، به‌ویژه کاخ‌ها، با کاشی‌هایی با نقوش انسانی تزئین یافت.

اگرچه استفاده از نقوش انسانی در بناهای ایران تنوع بیشتری نسبت به بناهای اصفهان داشته است؛ اما به‌دلیل سابقه نقاشی و نگارگری در شهر اصفهان، شیوه نقاشی روی کاشی‌ها در بناهای اصفهان، پختگی بیشتری دارد و همین مسئله، وجه اصلی تفاوت آن‌هاست (منصوری جزآبادی و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). کاخ چهلستون و عالی‌قاپوی اصفهان نمونه‌هایی از تزئین گچی همراه با نقش‌مایه‌های انسانی و موتیف‌های سنتی و کاشی‌کاری را نشان می‌دهد (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۵). نقش‌های به‌کاررفته در کاشی‌های دوره صفویه با تأثیر زیادی از نگاره‌های این دوره

جهت استفاده از تصاویر در کاشی معرق وجود داشت رهایی می‌یافت. از دوره صفوی به بعد، تصاویر جانوران، انسان و گیاهان به تعداد زیادی بر روی کاشی‌های آزاره‌ها و آهک‌بری سربینه‌های حمام‌ها نقش بست و با توجه به این‌که حضور این تصاویر و موجودات بر هنر کاشی هفت‌رنگ بسیار مطلوب بود، از این نوع کاشی به‌فراوانی در آزاره‌های حمام‌ها استفاده شده است. نقوش انسانی از دوره صفویه بر روی کاشی‌های حمام مرسوم شد و تصاویر جوانان و نوجوانان، زنان ساقی و خنیاگر و جوانان در حال مطالعه، مهم‌ترین نقوش تصویری حمام‌ها را تشکیل می‌داد. در بعضی مواقع نقوش انسانی، حیوانی و جانوری به‌صورت تلفیقی بر سطح دیوارها انجام شده و در حواشی آن موتیف‌های گیاهی با اسلیمی و ختایی به کار رفته است (مخلصی، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۰۷). کاشی حمام‌های علی‌قلی‌آقا و وزیر از نمونه‌های کاشی‌های با نقش انسانی این دوره هستند (تصویر ۴).

علاوه بر بناهای غیرمذهبی، در بناهای مذهبی که مربوط به آیین مسیحیت هستند نیز کاشی با نقش انسانی به‌فراوانی یافت شده است. کلیساها نمونه بارز بناهای مذهبی دارای کاشی با نقوش انسانی هستند. زمانی که شاه‌عباس اول به حکومت رسید، برای رونق‌بخشیدن به اقتصاد پایتخت جدید خود؛ یعنی اصفهان و کشورش ارمنیان را از جلفا به اصفهان کوچاند تا با استفاده از مهارت و تجربه‌هایی که ارمنیان داشتند به این خواسته خود جامه عمل بپوشاند. برای اسکان آن‌ها به دستور شاه‌عباس محلات جدیدی در خارج از شهر و در کرانه زاینده‌رود ساخته شد و با نام محل اولیه آن‌ها جلفا نام گرفت. افزون بر آن، به ارمنیان اجازه داد آداب و رسوم مذهبی خود را به‌طور کامل برپا کنند؛ سپس برای آنکه کلیساهای متعدد باعث دردسر برای وی و تحریک احساسات مذهبی اهالی اصفهان و در نتیجه درگیری‌های مذهبی نشود بنای، کلیساها را مشروط بر آن کرد که معماری آن‌ها با معماری ارمنستان متفاوت باشد؛ بدین ترتیب معماران ارمنی چاره را در آن دیدند که کلیساها را به‌شیوه معماری ایرانی و گاه با ظاهری هم‌چون مساجد بنا کنند. البته شرایط دیگری هم‌چون آب‌وهوا و نوع مصالح مورد استفاده که شامل آجر و خشت بود نیز در ساختمان کلیساها بی‌تأثیر نبوده است (دراوانسیانس، ۱۳۸۸:

مانده‌اند (جدول ۱) و ۶۶ عدد قاب‌کاشی نیز به دلیل تخریب و از بین رفتن بناهای تاریخی این دوره، از بستر خود جدا شده و امروزه در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند. از این تعداد تنها ۶ عدد قاب‌کاشی را می‌توان با اطمینان متعلق به سه کاخ چهلستون، جهان‌نما و هفت‌دست دانست و محل اصلی دیگر قاب‌کاشی‌های جدا شده، مشخص نیست (جدول ۲). لازم به ذکر است که تنها یک قاب‌کاشی در موزه ملی ایران شناسایی شد و مابقی موارد در موزه‌ها و مجموعه‌های خارج از ایران پراکنده هستند که این امر نشان‌دهنده وسعت خروج این قاب‌کاشی‌های ارزشمند از ایران است (جدول ۱ و ۲).

به وجود آمده‌اند و باعث زیبایی فراوان دیوار کاخ‌ها و سایر بناها شده‌اند (باکویی، ۱۳۹۴: ۶۹). نگاهی به آثار کاشی‌کاری برجامانده از این دوره، نشان می‌دهد نقوش انسانی بر روی کاشی‌های بناهای عصر صفوی، اغلب در بناهای غیرمذهبی مانند کاخ‌ها و حمام‌ها یا بناهای مذهبی دین مسیحیت مانند کلیساها به کار رفته است.

با بررسی‌های انجام‌شده، در مجموع ۸۲ عدد قاب‌کاشی با نقوش انسانی متعلق به دوره صفویه از بناها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی شناسایی شد. از این تعداد، ۱۶ عدد قاب‌کاشی همچنان بر بستر بناهای تاریخی دوره صفویه باقی

جدول ۱: پراکنش قاب‌کاشی‌های دارای نقوش انسانی باقی‌مانده در بناهای دوره صفوی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ردیف	نام بنا	تعداد کاشی‌نگاره‌های انسانی	کاربری بنا
۱	کاخ هشت‌بهشت	۴ عدد	کاخ
۲	کلیسای وانک	۳ عدد	کلیسا
۳	کلیسای مریم مقدس	۱ عدد	کلیسا
۴	کلیسای گئورگ	۲ عدد	کلیسا
۵	کلیسای سرکیس	۲ عدد	کلیسا
۶	حمام علی‌قلی آقا	۳ عدد	حمام
۷	حمام وزیر	۱ عدد موجود و سالم، بقیه تخریب‌شده	حمام

جدول ۲: پراکنش قاب‌کاشی‌های انسانی جدا شده از بناهای صفوی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ردیف	نام موزه، مجموعه یا محل نگهداری	تعداد کاشی‌نگاره	منبع
۱	موزه ملی ایران	۱ عدد	URL1
۲	متروپولیتن	۳ عدد	URL2
۳	ویکتوریا-آلبرت	۶ عدد	URL3
۴	بریتانیا	۱۱ عدد	URL4
۵	لوور	۴ عدد	URL5
۶	هنرهای آسیایی	۱ عدد	URL6
۷	هنر هاروارد	۲ عدد	URL7
۸	موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا	۴ عدد	URL8
۹	ارمیتاژ	۲ عدد	URL9
۱۰	اسکاتلند	۱ عدد	URL10
۱۱	رویال اونتاریو	۸ عدد	URL11
۱۲	لاکما	۱ عدد	URL12
۱۳	پرتلند	۲ عدد	URL13
۱۴	هنر کلیولند	۱ عدد	URL14

ردیف	نام موزه، مجموعه یا محل نگهداری	تعداد کاشی نگاره	منبع
۱۵	ساچن	۱ عدد	URL15
۱۶	حراجی کریستیز	۸ عدد	URL16
۱۷	حراجی بونهامس	۱ عدد	URL17
۱۸	حراجی سوتبی	۴ عدد	URL18
۱۹	قاب کاشی‌های کاخ هفت‌دست (محل نگهداری: نامعلوم)	۲ عدد	The Kevorkian Collection of Near and Far East Art, 1927: 97
۲۰	قاب کاشی‌های کاخ جهان‌نما	۳ عدد	مخزن اشیای باستانی دانشگاه هنر اصفهان

تک‌چهره‌نمایی، شکار و گریز، مضامین مذهبی مسیحی و متفرقه. در این بخش به جزئیات مربوط به هر یک از گروه‌های مضامین پرداخته خواهد شد.

گل‌گشت

یکی از موضوعاتی که به‌وفور در نگارگری سبک اصفهان دوره صفوی یافت می‌شود، موضوع گل‌گشت در طبیعت است. در این نگاره‌ها، اغلب گروهی از زنان و مردان همراه هم در میان باغ‌ها و بوستان‌ها یا طبیعت در حال خوش‌گذرانی، معاشرت و باده‌نوشی یا مطالعه، تصویر شده‌اند. اندک‌اندک با تأثیرپذیری هنر کاشی‌کاری از نگاره‌های این دوره، نقوش گل‌گشت و صحنه‌های عاشقانه نیز بر روی کاشی‌ها به تصویر درآمدند (تصاویر ۱ تا ۳).

در میان ۸۲ قاب‌کاشی گردآوری‌شده با نقش انسانی، بیشترین تعداد با ۳۷ قاب‌کاشی به این گروه، تعلق دارند که نزدیک به نیمی از موارد را شامل می‌شوند. کمیت قابل توجه این گروه نسبت به دیگر گروه‌ها، بی‌شک نشان از رواج تفریح و خوشگذرانی در این دوره است.

تعدادی از قاب‌کاشی‌هایی که از گوشک‌های پشت چهارباغ به دست آمده است و امروزه در موزه‌ها و مجموعه‌های اروپایی و آمریکایی نگهداری می‌شود، تصاویر زنان و مردان را در باغ و بوستان و در حال خوشگذرانی یا معاشرت نشان می‌دهد. یکی از این تصاویر در قاب‌کاشی تصویر ۱ که به طول ۱/۹۸ متر و مربوط به اوایل سده ۱۷ م. است و امروزه در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود، زنی مست با ساغر شراب در یک دست را نشان می‌دهد که در کنار او مردی در حالی که تکه‌پارچه‌ای در دست دارد، همراه با خدمه، اطعمه و اشربه،

تمامی قاب‌کاشی‌های شناسایی‌شده، از نوع هفت‌رنگ هستند و در ترسیم صحنه‌ها از انواع رنگ‌ها، استفاده شده است. نقوش انسانی معمولاً در مرکز کادر ترسیم شده‌اند. صورت‌ها، گرد هستند و ابروانی به‌هم‌پیوسته با لب‌هایی کوچک به‌حالت خطی دارند و معمولاً شبیه به هم هستند و از نشان‌دادن احساس در ترسیم صورت، خبری نیست، تنها گاه تبسمی بر لب آن‌ها دیده می‌شود (جلالی، ۱۳۹۶: ۸۷).

گونه‌شناسی مضامین و موضوعات کاشی‌های با نقوش انسانی دوره صفویه

در ۸۲ قاب‌کاشی شناسایی‌شده از دوره صفویه، پیکره‌های انسانی در حالت‌های مختلف و صحنه‌ها، با مضامین و موضوعات متفاوت ترسیم شده‌اند. پیکره‌های انسانی در این کاشی‌ها با ویژگی‌هایی مثل چهره‌هایی گرد، ابروانی به‌هم‌پیوسته و موهای طره‌ای که از کنار گوش آویزان است، کشیده شده‌اند. تمایز میان چهره مردان و زنان، فارغ از دستارهای سر (که چندان منظم هم پیچیده نشده‌اند) امکان‌پذیر نیست و چهره‌ها شبیه هم ترسیم شده‌اند. پیکره‌ها لباس‌هایی بلند با شال‌هایی به کمر بسته دارند که این ویژگی‌ها کاملاً با نگاره‌های مکتب اصفهان دوره صفوی قابل مقایسه هستند و حکایت از تاریخ کلی تولید این قاب‌کاشی‌ها دارند. بررسی و گونه‌شناسی موضوعات و مضامین کاشی‌هایی که صحنه‌هایی با نقوش انسانی دارند، می‌تواند در آگاهی و دانش امروز، نسبت به سلاقی و علایق مردم در دوره صفوی، کمک شایانی نماید. به نظر می‌رسد به‌صورت کلی مضامین کاشی‌ها در ۵ گروه قابل طبقه‌بندی است. گونه‌های کلی و عمده مضامین و موضوعات صحنه‌های ترسیم‌شده، عبارت‌اند از: گل‌گشت،

حکایت دارد که تا پیش از این دوره با این جرأت و جسارت به نمایش عمومی در نمی‌آمدند (تصویر ۲). شاید بتوان موضوع افزایش تغییر گرایش از دنیای متعالی به دنیای واقعی و لذت‌دهی را از تأثیرات فرهنگی ارتباط با اروپا دانست (میرقاند و زاویه، ۱۳۹۳: ۶۱). وجود عناصر و شاخصه‌های فرهنگ اروپایی در این صحنه‌ها، به‌ویژه در پوشش‌ها و نوع روابط، تأییدی است بر این امر.



تصویر ۲: کاشی با نقش انسانی، صحنه عاشقانه (URL18)



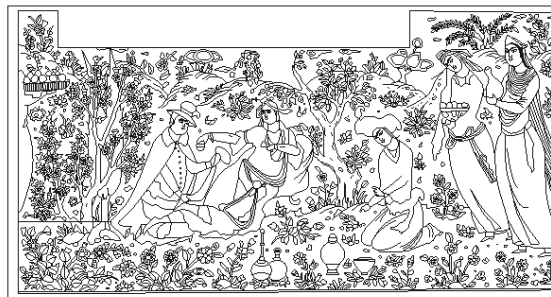
طرح ۲: کاشی با نقش انسانی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

گاه در میان ۳۷ صحنه گل‌گشت و نقوش زنان و مردان جوانی که در کنار درختان پرشکوفه لمیده و در حال خوش‌گذرانی ترسیم شده‌اند، تصویر جوانانی به چشم می‌خورد که در حال مطالعه هستند. در میان تصاویر شناسایی‌شده با موضوع گل‌گشت، حداقل ۴ تصویر بدین شکل، شناسایی شد که از اهمیت مطالعه و گسترش سطح آگاهی مردم دوره صفوی، حکایت دارد. تصویر ۳، نمونه‌ای از قاب‌کاشی‌های با موضوع مطالعه حین گل‌گشت است. تمرکز تصویر در این قاب‌کاشی که امروزه در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود، بر روی

دیده می‌شود. تصویر این زن آشکارا خصوصیات و آرایش موی غیرایرانی دارد و مرد کنار او هم، جامه اروپایی بر تن کرده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۴۹۱). شاهزاده‌خانم و مرد کنار او عنصر اصلی تصویر را تشکیل می‌دهند. قسمت چپ قاب بریده شده است؛ چون قسمت اصلی پیکره زنی که ظرفی پر از میوه را در دست دارد، از بین رفته است. در ساعدهای تصویر شاهزاده‌خانم در این نقاشی، سه نشان عجیب دیده می‌شود و این نکته با خال‌کوبی‌های عشاق مرد در طراحی‌های سده ۱۱ هـ. ق. (۱۷ م.) ایران هم‌خوانی دارد و رخ‌پوشی که یارش به او پیشکش می‌کند، به‌طرز معناداری از قبل، به پاهایش پیچیده است. این نوع شمایل‌نگاری خاص کوشک‌هایی بوده که برای مغازله و خوش‌گذرانی ساخته شده است (همان: ۴۹۱)؛ چراکه حکومت صفوی با داشتن ذخایر بالایی از دارایی و مکت، به‌عنوان حکومتی ثروتمند به شمار می‌رفت. همین تجمع ثروت در این دوره باعث شد که تفریحات و سرگرمی‌ها نقش بیشتری در زندگی روزمره مردم پیدا کنند. همچنین شاهان صفوی با استفاده از این ثروت بی‌نظیر، کاخ‌ها و تفرجگاه‌هایی برای تفریح می‌ساختند (احمدپور، ۱۳۹۷: ۱۱).



تصویر ۱: کاشی با نقش انسانی، صحنه خوش‌گذرانی و عاشقانه، کاخ جهان‌نما، موزه متروپولیتن (URL2)



طرح ۱: کاشی با نقش انسانی، صحنه خوش‌گذرانی و عاشقانه (نگارندگان، ۱۴۰۰)

صحنه‌های عاشقانه ترسیم‌شده در این خوش‌گذرانی‌ها نیز بر وجود روابط آزادانه‌تر میان زنان و مردان در دوره صفوی،

تمام نقش شده است. کمربندی سفیدرنگ با خنجری در میان آن، بر کمر او بسته شده و علی‌قلی آقا به حالت آماده‌باش دست خود را به خنجر گرفته است و عصایی در دست دیگر دارد. جزئیات چهره او کاملاً مشخص با چشمانی کشیده و سبیلی بلند به تصویر درآمده است (تصویر ۴).



تصویر ۴: قاب‌کاشی با مضمون چهره‌نگاری، حمام علی‌قلی آقا اصفهان (نگارندگان، ۱۴۰۰)



طرح ۴: قاب‌کاشی با مضمون چهره‌نگاری، حمام علی‌قلی آقا اصفهان (نگارندگان، ۱۴۰۰)

یکی از ویژگی‌های شاخص نگارگری مکتب اصفهان در ترسیم تک‌چهره‌نگاری، در دست گرفتن اشیا یا عناصری چون جام می، صراحی، شاخه گل و یا عصاست که رعایت این موارد بر روی کاشی‌های تولیدشده این دوره نیز به‌وضوح دیده می‌شود. در تک‌چهره ترسیم‌شده در تصویر ۵، بانویی مجلل و آراسته با زیورهایی چون جقه دستار، گوشواره و گردنبند، درحالی‌که جام می در دست دارد، دیده می‌شود. این کاشی که از نمونه کاشی‌های کوباچه است، امروزه در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود (تصویر ۵).

دو شخصی است که در حال خواندن کتاب هستند و دو ملازم در دو طرف آن‌ها قرار دارند (تصویر ۳).



تصویر ۳: کاشی با صحنه مطالعه در گل‌گشت، کاخ جهان‌نما، موزه ویکتوریا-آلبرت (URL3)



طرح ۳: کاشی با صحنه مطالعه در گل‌گشت، کاخ جهان‌نما (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تک‌چهره‌نمایی

از دیگر انواع نقاشی به‌لحاظ مضمون، چهره‌نگاری و یا به‌تعبیر متون هنری کهن ایران، «چهره‌گشایی» و به‌تعبیر متون قاجار «شبیبه‌سازی» است. چهره‌نگاری از مهم‌ترین دستاوردهای هنر نقاشی بود که در بیشتر فرهنگ‌های جهانی جایگاهی درخور توجه داشت (آژند، ۱۳۸۹: ۹). در ۱۵ قاب‌کاشی شناسایی شده با مضمون تک‌چهره‌نمایی، می‌توان به اهمیت تک‌چهره‌نمایی و به‌تصویر درآوردن چهره‌ها در وسط قاب‌کاشی‌ها، به‌ویژه در نیمه دوم سده ۱۷ م. پی برد.

تصویر شماره ۴ به‌عنوان تنها نمونه به‌دست‌آمده از ترسیم چهره یک شخص حقیقی (علی‌قلی آقا) بر روی کاشی در حمام حائز اهمیت است؛ زیرا سرآغازی برای ترسیم چهره اشخاص در حمام در دوره‌های بعدی شد (منصوری جزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۵). این کاشی‌نگاره در قسمت چال‌حوض حمام علی‌قلی آقا به‌شکل مردی تمام‌قد در میان شاخ و برگ گل‌ها و گیاهان ترسیم شده است. تصویر، تمام‌قد و به‌حالت سهرخ ترسیم شده و لباس او بلند تا سر زانو و دو تکه و کلاه او با جزئیات

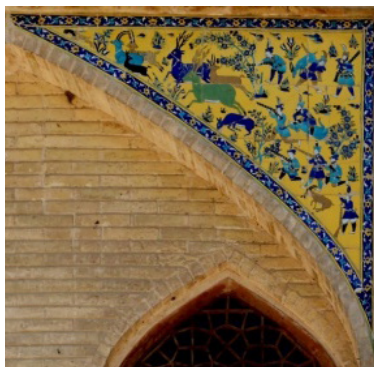
سواران در حالت‌های گوناگون تاخت به‌دنبال حیوانات و جانوران چهارپا مثل آهو، پلنگ، شیر و خرگوش در هیاهوی شکار، اسیر تیروکمان و شمشیر شکارچیان هستند. در تصویر ۶، افراد، تفنگ در دست به شکار مشغول هستند. در گوشه‌های بالای تصویر در سمت راست و چپ، یکی از آنان شکاری را به دوش می‌کشد که موفقیت در کار شکار را مسلم فرض می‌کند و روحیه شکارچیان را بالا می‌برد. در طرف راست در قسمت بالا و پایین تصویر دو شکارچی که با اسلحه ایستاده‌اند، به‌نوعی یک حالت را تکرار و ما را متوجه فضای شکارگاه می‌کنند. انحنای خطوط به‌کاررفته بر روی درختان همانند انحنای خطوط انسان‌ها طراحی شده است. (رئسی، ۱۳۶۹: ۷۰). همان‌طور که صحنه به‌وضوح گویاست، کار شکار بی‌دغدغه است و احتمالاً از این جهت است که شکار در محدوده شکارگاه سلطنتی کار دشواری نبوده است.



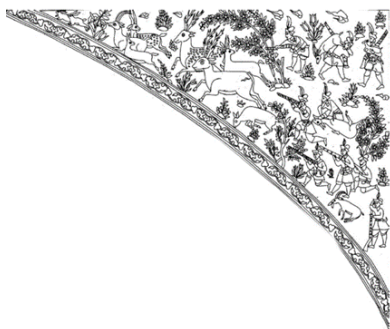
تصویر ۵: کاشی با مضمون تک‌چهره‌نگاری، موزه لوور (URL5)



طرح ۵: کاشی با مضمون تک‌چهره‌نگاری (نگارندگان، ۱۴۰۰)



تصویر ۶: قاب‌کاشی با صحنه شکار، کاخ هشت‌بهشت (نگارندگان، ۱۴۰۰)



طرح ۶: قاب‌کاشی با صحنه شکار، کاخ هشت‌بهشت، (خسروی، ۱۳۹۰: ۵۳)

شکار پرندگان با کمک بازهای شکاری دست‌آموز نیز از دیگر انواع شکار درباریان بوده است. شکار با باز که از دیرباز در ایران مرسوم بود، در این دوره نمود خاصی در آثار هنری می‌یابد. باز که پرنده‌ای شکاری از تیره زردچشمان است، نزد پادشاهان

شکار و گریز

در این دوره شکار به شکل رسمی، بخشی از زندگی درباری محسوب می‌شد. میر شکارباشی، رئیس شکارگاه‌ها و امور مربوط به شکار شاه بود و شکار با سگ‌های شکاری و یا باز را اداره می‌کرد. اهمیت شغل او در آن بود که در شکارهای بزرگ، علاوه بر شاه و درباریان، ده‌ها هزار سپاهی و افراد قشون و روستاییان و شکارگردانان شرکت می‌کردند و شکار در اراضی وسیعی صورت می‌گرفت و در واقع حکم مانورهای نظامی و تمرینات آمادگی جسمانی را داشت. توجه شاهان صفوی به شکار، تجمل و علاقه به هنر و هنرمندان، این موضوع را به یکی از عمده‌ترین موضوع‌های هنرهای تصویری عصر صفوی بدل کرد. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، نگارگری این دوره، تمامی هنرهای تصویری دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داد و در پی آن، نقوش صحنه‌های شکار در آثار نگارگری این دوره، مورد توجه هنرمندان قرار گرفت و بر روی اشیای فلزی، کاشی‌ها، بافته‌های ابریشمی و غیره به کار برده شد (محبی، ۱۳۷۷: ۲۶۳).

در صحنه‌های مربوط به شکار که شامل ۹ عدد قاب‌کاشی است،

(همان: ۱۰۷) در میان تصاویر مربوط به گروه شکار، ۲ تصویر در حال گریز نیز دیده می‌شود. در قاب کاشی تصویر ۸، مردی در حال گریز از حمله دو سگ شکاری (با توجه به حالت حمله سگ‌ها و قلاده‌های آنان) دیده می‌شود که از ترس به بالای درخت، پناه برده و ترس به‌وضوح در چهره وی هویداست.



تصویر ۸: کاشی با نقش انسانی، صحنه گریز (URL6)

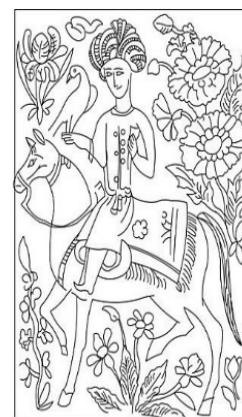


طرح ۸: کاشی با نقش انسانی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

قرب و منزلت بسیار داشته است؛ به طوری که بازداران و بزرگان و شاهزادگان تا هنگامی که باز بر دست داشتند، ادب را مراعات می‌کردند و گرنه سزای بی‌ادبی خویش را می‌دیدند. قوشچی یا بازدار، سوار یا پیاده و گاه در حالی که پرنده را روی جایگاه خاصی قرار داده، تصویر شده است. استفاده از پرنده شکاری به اندازه‌ای اهمیت داشته که تربیت باز و یا دیگر پرندگان شکاری از لوازم سلطنت به شمار می‌آمده است. در میان تصاویر انسانی موجود بر کاشی‌ها، نقش بازداران نیز دیده می‌شود. در این صحنه‌ها، باز شکاری، روی مچ دست شکارچی نشسته و بازدار، سر خود را به عقب چرخانده و به نقطه‌ای خیره شده است. یکی از نمونه قاب‌کاشی‌ها با تصویر قوشچی یا بازدار، از پاگرد حمام علی‌قلی‌آقا به دست آمده است. در این صحنه، مرد قوشچی با پوشش عصر صفوی، با لباسی بلند و جلیقه‌ای بر روی آن، با دستاری پیچیده بر سر، ترسیم شده که یک دست خود را کنار بدن و دست دیگرش را رو به جلو بالا آورده؛ در حالی که باز، روی مچ دست او نشسته است (تصویر ۷).



تصویر ۷: مرد قوشچی، حمام علی‌قلی‌آقا، (منصوری جزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۷)



طرح ۷: مرد قوشچی، حمام علی‌قلی‌آقا.

مضامین مذهبی مسیحی

با به حکومت رسیدن شاه‌عباس و انتقال پایتخت به اصفهان و در پی سیاست‌گذاری وی مبنی بر گسترش روابط با اروپا و رونق‌بخشیدن به اقتصاد، آرامنه جلفا به محله جدید که با نام شهر کهن آن‌ها، جلفا نامیده می‌شد، کوچانده شدند و در پی آن، ساخت کلیساها جهت اجرای امور مذهبی آنان با سبک و سیاق رایج معماری در ایران، آغاز شد. استفاده از نقوش انسانی مطابق با مضامین مذهبی، در تزئین کلیساها براساس



طرح ۹: قاب کاشی با موضوع دعا و نیایش، کلیسای مریم مقدس، دوره صفویه، اصفهان (ماهرالنقش، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

در میان نقوش مذهبی موجود بر کاشی‌نگاره‌های کلیساهای دوره صفوی اصفهان که نقوش انسانی دارند؛ نقش فرشتگان، از کمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و تعداد ۷ قاب کاشی از ۹ مورد این دسته را شامل می‌شود. نقوش فرشتگان در میان نقوش به‌کاررفته در کلیساهای (بدون در نظر گرفتن نوع تزئین نقاشی دیواری، کاشی کاری یا حجاری) رواج بسیار داشته است. اگرچه فرشتگان موجوداتی فرازمینی هستند؛ اما از آنجاکه با صورت انسانی، تصویر شده‌اند، در میان نقوش انسانی در نظر گرفته شده‌اند. فرشته با آنکه جنس خاصی هم‌چون انسان ندارد، در تصویرپردازی نگارگران، با سیمای زنانه تصویر می‌شده است؛ آن‌چنان‌که در قرآن کریم نیز کلمه «ملائکه» به‌صورت مؤنث به کار برده شده است (یاسینی، ۱۳۹۲: ۲۲۴).

در این کاشی‌ها، فرشتگان، بیشتر با رنگ‌های زرد، آبی تیره و روشن نقش شده‌اند و هر فرشته در قابی مربع‌شکل و متناسب با مقام و موقعیت خود، با تعداد بال‌های متفاوتی از ۲ یا چهار بال باز یا بسته، به‌صورت تمام‌قد و یا چهره منفرد ترسیم شده است (تصویر ۱۰).

سنت دیرین آیین مسیحیت، از ویژگی‌های بارز کلیساهای ساخته‌شده در اصفهان دوره صفوی بود که گاه به‌صورت دیوارنگاری و گاه در قالب قاب‌کاشی‌ها، رخ می‌نمود. در مجموع، تعداد ۹ قاب کاشی با نقوش انسانی در کلیساهای شهر اصفهان شناسایی شد که همگی دارای مضمون مذهبی- مسیحی بودند. این ۹ قاب کاشی، تنها نمونه‌های شناسایی‌شده در بناهای مذهبی دوره صفویه است و هیچ نمونه دیگری از کاشی با نقوش انسانی در بناهای مذهبی این دوره، به دست نیامد. باید گفت بعید نیست که این امر در ادامه حرمت و دوری از به‌کارگیری نقوش انسانی در بناهای مذهبی در اسلام صورت گرفته است که در دوره‌های پیشین نیز، مدنظر قرار می‌گرفت.

دو قاب کاشی از کاشی‌های با مضامین مذهبی مسیحی، یکی در کلیسای گئورگ مقدس، تصویری از تولد حضرت مسیح را نشان می‌دهد و دیگری صحنه نیایش و دعا را تصویر کرده است که در قسمت داخلی سالن کلیسای مریم مقدس قرار دارد. صحنه دارای نقوش مختلف گیاهی، جانوری و انسانی است که بر پس‌زمینه‌ای زردرنگ نقش شده است. بیشترین رنگ به‌کاررفته، لاجوردی است که در نشان‌دادن معنویت صحنه، تأثیر بسزایی دارد. تصویر با نقوش گیاهی، به‌ویژه گل و گیاه، و عناصری مانند درخت سرو و گلدان که سمبل جاودانگی و نور و روشنایی هستند پر شده است. جانوران زیادی اعم از پرندگان، پروانه‌ها و آهو در تصویر نقش شده‌اند. در قسمت راست صحنه، پیرمردی با موی سپید، زانورده و در حال دعا و نیایش است. چهره پیرمرد رو به آسمان و با ظرافت خاصی نقش شده است و در دستانش که آن‌ها هم به طرف آسمان بلند شده‌اند و راز و نیاز وی را نشان می‌دهند، تسبیحی دیده می‌شود (تصویر ۹).

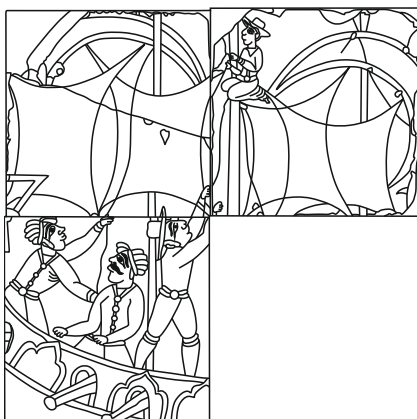


تصویر ۹: قاب کاشی با موضوع دعا و نیایش، کلیسای مریم مقدس، دوره صفویه، اصفهان (ماهرالنقش، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

خارج شده از دریچه‌ها، نشان‌دهنده جنگی بودن کشتی‌هاست. این تصویر را می‌توان از محدود تصاویری دانست که اطلاعات مفیدی درخصوص چگونگی نیروی دریایی دوره صفویه در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: کاشی با صحنه کشتیرانی، موزه رویال اونتاریو (URL11)



طرح ۱۱: کاشی با نقش کشتیرانی، موزه رویال اونتاریو (نگارندگان، ۱۴۰۰)

در جدول ۳، نمونه گونه‌شناسی‌های موضوعی گروه‌های پنجگانه قاب‌کاشی‌های شناسایی شده در دوره صفویه با نقوش انسانی، همراه با نمونه تصاویر کاشی و آمار نمونه‌ها به ترتیب کثرت و اهمیت ارائه شده است. مجدداً لازم به یادآوری است که تعداد قابل توجهی از قاب‌کاشی‌ها از بستر اصلی خود در بناها جدا شده‌اند و در موزه‌های دنیا نگهداری می‌شوند. همچنین نمونه طرح‌ها به‌منظور درک بهتر، روشن‌تر و مشخص‌تر مفاهیم، توسط نگارندگان تهیه شده است (طرح‌های ۱۱-۱ و طرح‌های جدول ۳).



تصویر ۱۰: کاشی با طرح فرشته، کلیسای سرکیس (ماهرالنقش، ۱۳۹۷: ۱۴۸)



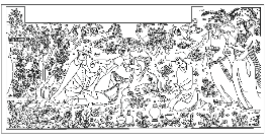
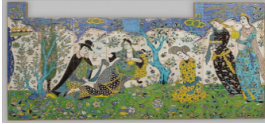







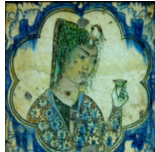




طرح ۱۰: کاشی با طرح فرشته، کلیسای سرکیس (نگارندگان، ۱۴۰۰)

مضامین متفرقه

۱۲ قاب‌کاشی از ۸۲ قاب‌کاشی شناسایی شده از دوره صفویه با نقوش انسانی، مربوط به صحنه‌هایی است که موضوعات کلی آن‌ها، در ۴ گروه ذکر شده پیشین قرار نمی‌گیرند. این کاشی‌ها، مضامین متفاوتی همچون کولبری، چوپانی، کشتیرانی، مجنون در انزوا یا سیمرغ و سوارکار را نشان می‌دهند.

در این آثار که به طرز شگفت‌آوری واقعگرایانه ترسیم شده‌اند، از شکوه اشرافی و جلال شاهانه روزگار کمتر نشانی می‌توان یافت و بیشتر تمرکز بر ترسیم فضاهای طبیعی و رویدادهای واقعی است. نمونه‌ای از این مضامین، در یک قاب‌کاشی دیده می‌شود که امروزه در موزه رویال اونتاریو نگهداری می‌شود. موضوع این صحنه، کشتیرانی است. چهار فرد در تصویر دیده می‌شوند که یکی از آن‌ها با لباس اروپایی در بالای دکل کشتی مشغول دیده‌بانی است. سه نفر دیگر، لباس صفوی بر تن دارند و در حال کشیدن بادبان‌های کشتی هستند. لوله توپ‌های

جدول ۳: گونه‌شناسی موضوعی کاشی‌های با نقوش انسانی دوره صفویه (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تعداد کلی نمونه‌ها	منبع	محل قرارگیری	طرح	نمونه تصاویر	نوع نقش
۳۷	URL2	-			گل‌گشت
	URL3	کاخ جهان‌نما			
	URL18	-			
۱۵	(نگارندگان، ۱۴۰۰)	حمام علی‌قلی‌آقا			تک‌چهره نگاری
	URL5	-			
۹	(منصوری جزآبادی و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۰۷)	حمام علی‌قلی‌آقا			شکار و گریز
	URL6	-			

نوع نقش	نمونه تصاویر	طرح	محل قرارگیری	منبع	تعداد کلی نمونه‌ها
مضامین مسیحی			کلیسای سرکیس	(ماهرالنقش، ۱۳۹۷: ۱۴۸)	۹
			کلیسای مریم مقدس	(ماهرالنقش، ۱۳۹۷: ۱۳۷)	
متفرقه			-	URL11	۱۲

اگرچه آخرین گروه با تعداد ۱۲ نمونه، از نظر کمیت، بیش از سومین و چهارمین گروه است؛ اما از آنجاکه موضوعات بسیار متنوعی را مانند کشتی‌رانی، چوپانی، سوارکاری، اشکال نجومی و کولبری را شامل می‌شود و هرکدام از تصاویر، موضوعی منفرد و مستقل دارند، به‌عنوان گروه آخر در نظر گرفته شده‌اند.

تنوع موضوعات و مضامین ترسیم‌شده بر روی کاشی‌ها نشان از رواج قابل ملاحظه استفاده از نقوش انسانی در تزئین بناهای دوره صفوی است؛ امری که برای نخستین بار با چنین سطح و کمیتی در دوران اسلامی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

نقوش کاشی‌های دوره صفوی با تأثیر از مکاتب نگارگری هم‌عصر، به‌ویژه مکتب اصفهان، دوره‌ای از اوج‌گیری هنر کاشی‌کاری در تزئین بناها را به نمایش گذاشته است. در این دوره، استفاده از نقوش گیاهی، هندسی، کتیبه‌ای و جانوری (بیشتر به‌صورت پرندگانی همچون طاووس) در کاشی‌های تزئینی در بناهای مختلف، از جمله بناهای مذهبی مانند مساجد، مدارس و بناهای غیرمذهبی مانند کارونسراها، پل‌ها، حمام‌ها یا کاخ‌ها تداوم می‌یابد؛ اما به نظر می‌رسد بهره‌گیری

هم‌چنان‌که در جدول ۳ نیز دیده می‌شود، بیشترین تعداد قاب‌کاشی با ۳۷ نمونه، در گروه گل‌گشت و خوش‌گذرانی قرار گرفته‌اند. این امر نشان‌دهنده دو موضوع است؛ نخست آنکه در این دوره، اهمیت بیشتری به تفریح و خوش‌گذرانی داده می‌شود که با توجه به فراهم‌شدن شرایط سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، آرامش، امنیت و رفاهی نسبی به وجود آمده است و امری بدیهی است که نمود آن در آثار هنری این دوره به‌وضوح دیده می‌شود و دوم آنکه نشان‌دادن صحنه‌های می‌گساری، رقص و پایکوبی یا روابط عاشقانه، برای نخستین بار با آزادی بیشتر صورت پذیرفته است. گروه بعدی از نظر کمیت، قاب‌کاشی‌های تک‌چهره‌نگاری شده با ۱۵ نمونه هستند که عمدتاً در حمام‌ها شناسایی شده‌اند. شاید علت این امر را بتوان تخریب کمتر این گروه از بناها نسبت به کاخ‌ها و کوشک‌ها دانست. در رتبه بعدی دو گروه شکار و گریز و مذهبی هر یک با ۹ نمونه قرار گرفته‌اند. گروه مربوط به شکار و گریز، خود صحنه‌های شکار گروهی، شکار با باز و یا گریز از سگ‌های شکاری را در بر گرفته است و قاب‌کاشی‌های با مضامین مذهبی، تنها در بناهای مذهبی آیین مسیحیت و کلیساها به دست آمده است و طبیعتاً مضامین مرتبط با این آیین را نشان می‌دهد.

از سویی دیگر نقوش انسانی در بناهای مذهبی، تنها در بناهای مذهبی مرتبط با آیین مسیحیت یعنی کلیساها دیده می‌شود. درحالی‌که در این دوره شاهد رشد کمیت استفاده از نقوش جانوری در کاشی‌های مساجد و مدارس به‌عنوان بناهای مذهبی هستیم؛ اما همچنان، عدم استفاده از نقوش انسانی در تزئین کاشی‌های بناهای مذهبی اسلامی، نشان‌دهنده تداوم حرمت و رعایت جایگاه احتیاط‌آمیز در استفاده از نقوش انسانی در این دسته بناهاست.

از سویی دیگر استفاده از مضامین انسانی، در تزئین کلیساها، از پیشینه‌ای قابل توجه برخوردار است و حتی در مورد دوره صفوی، امری نوین به شمار نمی‌رفت؛ اما آنچه در این مورد حائز اهمیت است، آن است که برای نخستین بار برای تزئین در کنار نقاشی دیواری‌ها، از نقوش فرشتگان، نیایشگران و یا بازنمایی صحنه تولد حضرت مسیح (ع) بر روی کاشی، بهره گرفته شده است.

همچنان‌که پیش از این نیز گفته شد، بی‌شک نقوش کاشی‌های دوره صفوی با تأثیر از مکاتب نگارگری این دوره، به‌ویژه مکتب اصفهان، شکل گرفته است؛ درنتیجه جهت توسعه پژوهش‌های آتی در این زمینه، پیشنهاد می‌شود از نگاره‌ها و نقاشی دیواری‌های برجمانده از دوره صفوی، درخصوص تاریخ‌گذاری‌های نسبتاً دقیق‌تر بهره گرفته شود.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۹). *نگارگری/ ایران*. جلد اول. تهران: سمت.
- احمدپور، پریان (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی تفریحات و سرگرمی‌های دوره صفوی براساس داده‌های باستان‌شناختی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دانشگاه شهرکرد.
- باکویی، فائزه (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی نقوش انسانی در فلزکاری و نگارگری عصر صفویه*. تهران: دانشگاه شاهد.
- بلوم، جانانان؛ بلر، شیلا (۱۳۸۱). *هنر و معماری اسلامی* (۲). مترجم: یعقوب آژند. تهران: سمت.
- جلالی، رکسانا (۱۳۹۶). «بررسی آثار فیگوراتیو کاشی هفت‌رنگ دوره صفویه». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

از نقوش انسانی بر روی کاشی‌ها و برای تزئین بناها، برای نخستین بار در این دوره رایج می‌شود. هنرمندان نگارگر، آثار متنوع و زیبایی با نقوش مختلف، به‌ویژه نقوش انسانی بر کاشی‌های این دوره طراحی و ترسیم کردند که باعث زیبایی بیشتر نمای بناها شده‌اند.

با بررسی‌های انجام‌شده، ۸۲ قاب کاشی دوره صفویه که دارای تصاویر انسانی هستند، شناسایی شد. از این تعداد، تنها ۱۶ قاب کاشی بر روی بستر اولیه خود در کاخ‌ها، کوشک‌ها، حمام‌ها یا کلیساها باقی مانده‌اند. بیش از ۴ برابر این تعداد، به‌دلایل متعدد، همچون تخریب و ویرانی بناها، تغییر تزئینات و یا انتقال این آثار به خارج از کشور، در موزه‌های جهان پراکنده‌اند؛ اما در هر صورت، کثرت نمونه‌ها، حاکی از رواج نسبی استفاده از این نقوش در دوره صفوی نسبت به دوره‌های پیشین است.

در نوشتار حاضر، قاب‌کاشی‌های شناسایی‌شده که دارای مضامین نسبتاً متنوعی هستند، در ۵ گروه کلی طبقه‌بندی شدند. این ۵ گروه عبارت‌اند از: گل‌گشت، تک‌چهره‌نگاری، شکار و گریز، مذهبی- مسیحی و متفرقه. بیشترین کمیت با ۳۷ قاب کاشی متعلق به گروه موضوعی مربوط به گل‌گشت و کمترین تعداد با ۹ عدد قاب کاشی مربوط به دو گروه شکار و گریز و مذهبی- مسیحی بود.

براساس اسناد و مدارک عینی و نمونه کاشی‌های به‌دست‌آمده، استفاده از نقوش انسانی، بیشتر برای تزئین بناهای غیرمذهبی، به‌ویژه کاخ‌ها، کوشک‌ها یا حمام‌ها صورت گرفته است. ترسیم صحنه‌های گل‌گشت و خوش‌گذرانی بر روی کاشی‌ها با تنوع قابل ملاحظه‌ای در بازنمایی افراد حاضر در صحنه، در حالات عاشقانه، می‌گساری، دست‌افشانی و پایکوبی، خوردن و نوشیدن یا مطالعه، بی‌ارتباط با کاربری خاص این اماکن خصوصی و رواج انواع تفریح و تفنن در دوره صفوی نیست.

همچنین بررسی‌ها نشان داد که نقوش انسانی به‌کاررفته در کاشی‌های تزئینی حمام‌های صفوی، فارغ از اندازه و تعداد، بیشتر از نوع تک‌چهره‌نمایی است. این امر در تزئین کاشی‌های حمام در دوره‌های بعدی و تا دوره قاجار ادامه یافت و به یک سنت بدل شد.

اصفهان از آغاز عصر صفوی تا اواخر دوره قاجار». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده مرمت و باستان شناسی، دانشگاه هنر اصفهان.

_____؛ سیدهاشم، حسینی (۱۳۹۵). «سیر تحول نقوش انسانی در کاشی کاری حمام های تاریخی شهر اصفهان از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار». پژوهش هنر. شماره ۱۲. صص: ۱۱۷-۱۰۳.

- میرقائد، مانلی؛ زاویه، سعید (۱۳۹۳). «تحلیل مضامین در نگاره های مکتب اصفهان (نیمه دوم عصر صفوی)». هنر و معماری. شماره ۴۰. صص: ۶۴-۵۸.

- یاسینی، راضیه (۱۳۹۲). *تصویر زن در نگارگری*. جلد اول. تهران: علمی و فرهنگی.

منابع اینترنتی

- URL1: www.irannationalmuseum.ir. Accessed in 22/5/2021
- URL2: www.metmuseum.org. Accessed in 12/3/2021
- URL3: www.vam.ac.uk. Accessed in 26/6/2021
- URL4: www.britishmuseum.org. Accessed in 20/2/2021
- URL5: www.louvre.fr. Accessed in 9/3/2021
- URL6: www.asianart.org. Accessed in 20/8/2021
- URL7: www.harvardmuseums.org. Accessed in 3/10/2021
- URL8: www.raeeka.worldpress.com. Accessed in 7/5/2021
- URL9: www.hermitagemuseum.org. Accessed in 27/4/2021
- URL10: www.nms.ac.uk. Accessed in 19/4/2021
- URL11: www.rom.on.ca. Accessed in 22/6/2021
- URL12: www.collection.lacma.org. Accessed in 18/3/2021
- URL13: www.portlandartmuseum.org. Accessed in 14/5/2021

- حسینی، مهدی؛ علی پور، مرضیه (۱۳۹۳). «تأثیر نگارگری دوره صفویه بر سفالیه های همان دوره». پژوهش هنر. شماره ۷. صص: ۸۷-۹۹.

- خسروی، راضیه (۱۳۹۰). «بررسی طرح و نقش های کاشی های هفت رنگ دوره صفویه در اصفهان». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- دراوانسیانس، هراچ (۱۳۸۸). *کلیسای وانک*. اصفهان: بهار آزادی. - رئیسی، مژگان (۱۳۶۹). «بررسی نقوش انسان و حیوان در کاشی کاری های به جای مانده از بناهای تاریخی شهر اصفهان (دوره صفوی و قاجار)». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.

- صالحی کیا، مریم؛ شاطری، میترا؛ احمدی، عباسعلی (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی کتیبه های کاشی کاری نگاره های شاهنامه بایسنقری با بناهای قلمرو شرقی تیموریان». *مطالعات تطبیقی هنر*. شماره ۱۷. صص: ۵۸-۴۳.

- علیزاده، سیامک (۱۳۸۴). «نقش هنر کاشی کاری در تجلی معماری دوره صفویه». *نگره*. شماره ۱. صص: ۲۴-۱۵.

- کیانی، محمدیوسف (۱۳۹۱). *تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سمت.

- ماهرالنقش، رؤیا (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی نقوش جانوری در تزئینات کاشی کاری دوره صفویه با دوره قاجار در بناهای تاریخی اصفهان». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان.

- ماهرالنقش، محمود (۱۳۶۱). *کاشی کاری ایران در دوره اسلامی*. جلد اول. تهران: موزه رضا عباسی.

- محبی، حمیدرضا (۱۳۷۷). «مطالعه و بررسی نقوش شکار در هنر ایران (تا پایان دوره صفویه)». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.

- مخلصی، محمدعلی (۱۳۸۲). «تزئینات و آرایه حمام». *کتاب ماه و هنر*. شماره ۵۷ و ۵۸. صص: ۱۱۴-۱۰۶.

- مکی نژاد، مهدی (۱۳۸۸). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی*. تهران: سمت.

- منصوری جزآبادی، جمیله (۱۳۹۳). «بررسی و مطالعه تکنیک ساهت و تزئین کاشی کاری در حمام های تاریخی شهر

- URL14: www.clevelandart.org/art. Accessed in 15/7/2021
- URL15: www.ssachsen.museum-digital.de. Accessed in 6/6/2021
- URL16: www.christies.com. Accessed in 13/10/2021
- URL17: www.bonhams.com. Accessed in 5/3/2021
- URL18: www.sothebys.com. Accessed in 25/6/2021

Thematic Typology of Human Motifs of Safavid Tiles

Zahra Rezasoltani¹, Mitra Shateri²

1- Master student of Archaeology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

2- Associate Professor in Archaeology, Humanity Sciences Faculty, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.
(Corresponding author)

DOI: 10.22077/NIA.2023.5446.1623

Abstract

Statement of the problem: Tiling is one of the effective methods of decoration and one of the valuable arrays related to architecture. In the Safavid era, with the selection of Isfahan as the capital and due to the need to build various buildings with various functions, the use of tile art reached its peak and artists created beautiful works with plant, animal, geometric, inscription and especially human motifs. While in previous periods, less human motifs were used on the tiles; In the Safavid era, this restriction was clearly lost. Despite the high quantity of human motifs carved on the tiles of this period, comprehensive and independent research has not been done on them. Therefore, in this research, an attempt has been made to answer these questions by examining the tiles with human motifs of the Safavid period: On the tiles of which group of Safavid buildings, Human motifs are mostly used? And what themes do these motifs have and how we could classify them? The main goal of this research is to identify, collect and introduce the tiles with human figures of the Safavid period and classify themes in order to enlighten the studies in the field of art and architecture in the Safavid period. The information of this research was done by identifying and collecting 82 tile frames with human motifs via using library and field research methods and the research method is descriptive-analytical. The results of the research indicate that during the Safavid period, tiles with human figures were mostly used in non-religious buildings such as palaces, mansions and granges, and baths, and rarely only on religious buildings related to Christianity (churches). The themes used can also be classified into 5 groups: hike and excursion, portrait, hunting and escape, religious-Christian and miscellaneous. The highest quantity with 37 tile frames belongs to themes related to hike and the lowest number with 9 tile frames is related to two groups of hunting and escape, and religious-Christian.

Key words: Safavid Period Tiling, Human Motifs, Religious Buildings, non-religious Buildings, Thematic Typology.

1- Email: rozitasoltani75@gmail.com

2- Email: shateri.mitra@sku.ac.ir

* This paper has been extracted from Ms. Zahra Rezasoltani's master's dissertation entitled "Comparative study of tiles with human motifs in the Safavid period with contemporaneous drawings for their relative dating, which was defended in 2021 in the Department of Archaeology, Shahrekord University.

(Date Received: 2022/07/05 - Date Accepted: 2023/02/20)